



University of Science and Quranic Knowledge
Shahrooz Faculty of Quranic Sciences

A Comparative Study of the "Stages of Human Creation" in Scientific Exegeses: A Case Study of Tafsīr Nemūneh and Tafsīr al-Jawāhir¹

Zohreh Akhavan Moqaddam¹ , Fatemeh Nadizadeh² 

1. Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Tehran, Iran, (Corresponding Author) akhavan.mo@quran.ac.ir

2. Master's degree in Quranic Sciences, University of Holy Quran Sciences and Education, Tehran, Iran.
fatemehnadizadeh216@gmail.com

Detailed Abstract

Research Objective: One of the unique characteristics of the Holy Qur'an is its reference to various phenomena at a time when many scientific disciplines had yet to be discovered. These include descriptions of natural events such as wind and rain, entities like the sea, the earth, iron, and plant fertilization, as well as the stages of human creation. These references are collectively considered manifestations of the Qur'an's scientific miraculousness (i'jāz 'ilmī). This study focuses on one specific aspect of this scientific miracle: the stages of human creation as discussed in several Qur'anic verses. On the other hand, among the various methods employed in interpreting the Qur'an, the scientific exegesis approach is the only one that deliberately engages with such verses. It is worth noting that some Qur'anic exegetes, particularly classical ones, do not acknowledge the concept of scientific miracles in the Qur'an and consequently do not adopt the scientific exegetical method. This research, however, sets aside such views and instead focuses on exegetes who accept both the notion of scientific miraculousness and the scientific exegetical method. Interestingly, even among those who share this approach, there exist significant differences in interpretation when it comes to the verses on human creation. These discrepancies suggest that beyond the exegetical method itself, other critical factors influence the outcome, such as the exegete's theological perspective, their familiarity with contemporary scientific developments, their comprehensive understanding of the Qur'an, and their attentiveness to the textual context of the verses. To explore these interpretive differences, this study selects one Shi'i and one Sunni Qur'anic exegete: Ayatollah Makārim Shīrāzī, author of Tafsīr Nemūneh, and Shaykh Ṭanṭāwī, author of Tafsīr al-Jawāhir. The objective is a comparative examination of their interpretations of the stages of human creation. The significance of this topic extends beyond empirical sciences into religious disciplines, particularly Qur'anic

Review Article



1. The article is an extracted article from the Master's thesis of Fatemeh Nadizadeh

Received: 2024/04/22 ; Received in revised form: 2024/07/21 ; Accepted: 2024/07/27 ; Published online: 2025/03/15

◆ How to cite: Akhavan Moqaddam, Zohreh, Nadizadeh, Fatemeh (1403SH): "A Comparative Study of the "Stages of Human Creation" in Scientific Exegeses: A Case Study of Tafsīr Nemūneh and Tafsīr al-Jawāhir", *journals Comparative Interpretation Studies*, 9(18), P180-207, [10.22034/csq.2025.483228.1480](https://doi.org/10.22034/csq.2025.483228.1480)

©2025/ Authors retain the copyright and full publishing rights. Published by: Department of Qur'anic Exegesis and Sciences



exegesis, given the explicit mention of human creation in various Qur’anic verses.

Given the centrality of interpretive methodology in understanding the Qur’an, this research focuses on comparing how the two aforementioned Qur’anic exegetes engage with the scientific verses related to human creation. Ayatollah Makārim’s approach to scientific verses is characterized by the application of science to understand the Qur’an, rather than deriving science from the Qur’an. In contrast, Shaykh Ṭanṭāwī’s methodology centers on extracting scientific knowledge directly from the Qur’an.

Research Methodology: This study employs a descriptive-comparative approach. Initially, the interpretations of Ayatollah Makārim and Shaykh Ṭanṭāwī in Tafsir Nemūneh and Tafsir al-Jawāhir respectively are analyzed. Their views are then compared to identify points of similarity and difference.

Findings: The study reveals that the two Qur’anic exegetes share similar views on some terms such as “tumnūn” and “‘alaq”; however, in most areas—including the creation of Hazrat Adam and Eve from clay, mā’ dāfiq (gushing fluid), nuṭfah amshāj (mixed sperm-drop), and the concepts of mukhalaqqah (formed) and ghayr mukhalaqqah (unformed) embryo—they differ significantly. The main source of these differences lies in their respective exegetical methodologies. Ayatollah Makārim’s approach involves employing established scientific findings to explain the Qur’an while emphasizing the context of verses and scientific credibility. Shaykh Ṭanṭāwī, on the other hand, seeks to extract scientific knowledge from the Qur’an, often elaborating in detail and including personal reflections, sometimes without regard to the contextual flow of the verses. Another feature of Tafsir al-Jawāhir is its reliance on unverified scientific theories, such as Darwin’s theory of evolution, which further distinguishes it from Tafsir Nemūneh.

Conclusion: The study concludes that the use of a valid and accurate scientific methodology can help clarify general statements in the Qur’an, aid in the interpretation of scientific verses, and unveil aspects of the Qur’an’s scientific miraculousness. Conversely, reliance on unreliable scientific methods may obscure the intended meaning and diminish the illuminating nature of the Qur’an. This research can serve as a valuable resource for scholars interested in the intersection of empirical science and Qur’anic exegesis.

Keywords: Qur’anic Inimitability, Scientific Exegesis, Stages of Human Creation, Tafsir Nemūneh, Tafsir al-Jawāhir

زهرة اخوان مقدم^{id}، فاطمه نادى زاده^{id}

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

akhavan.mo@quran.ac.ir

۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، تهران، ایران. fatemehnadizadeh216@gmail.com

چکیده

در آیاتی از قرآن کریم به مراحل آفرینش انسان اشاره شده که در بیشتر موارد با نظریات علم تجربی و زیست شناسی موافق است و خود می تواند نشانه اعجاز علمی قرآن باشد. یکی از رویکردهای مفسران معاصر نیز در تفسیر آیات خلقت انسان، تفسیر علمی آیات است. با وجود یکسانی در رویکرد، شاهد تفاوت در نتایج تفسیر علمی آیات هستیم. بدین جهت مسئله مقاله پیش رو مطالعه تطبیقی «مراحل آفرینش انسان» در تفاسیر علمی معاصر همچون تفاسیر نمونه و الجواهر است که به روش توصیفی- تطبیقی به آن می پردازد. بنا بر نتایج تحقیق با وجود استفاده هر دو تفسیر از رویکرد علمی، در موارد کمی مثل معانی «ثمنون» در آیات ۵۸-۵۹ سوره قیامت و واژه «علقه» دارای تشابه و نتیجه یکسان هستند و در غالب موارد مثل موضوع آفرینش حضرت آدم و حوا از خاک، ماء دافق، نطفه أمشاج، مُخَلَّقه و غیرمخلقه بودن جنین و مواردی از این قبیل دارای دیدگاه های متفاوتی هستند. همچنین طنطاوی با استفاده از نظریات علمی همچون نظریه تکامل داروین که امروزه مخالفان زیادی دارد به تفسیر آیات پرداخته؛ درحالی که با سیاق آیات مربوطه سازگاری ندارد.

کلیدواژه ها: اعجاز قرآن، تفسیر علمی، مراحل آفرینش انسان، تفسیر نمونه، تفسیر الجواهر.

۱. مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد فاطمه نادى زاده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳ | تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۰۴/۳۱ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۰۶ | تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵

◆ استناد به این مقاله: اخوان مقدم، زهرة، نادى زاده، فاطمه (۱۴۰۳): «مطالعه تطبیقی «مراحل آفرینش انسان» در تفاسیر علمی، مطالعه موردی: تفاسیر نمونه و الجواهر»، *دوفصلنامه مطالعات تفسیری تطبیقی*، ۹(۱۸)، ۱۸۰-۲۰۷. [csqa.2024.453647.1414/10.22034](https://doi.org/10.22034/csqa.2024.453647.1414/10.22034)

©2025 / نویسندگان دارنده حق تألیف مقاله خود بدون محدودیت هستند. ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم



۱. بیان مسئله

امروزه دانشمندان انسان را دارای ابعاد جسمی رفتاری، شناختی و عاطفی می‌دانند و خداپاوران نیز معتقدند که انسان علاوه بر ابعاد یادشده دارای بعد روحی نیز است. رشد و پیشرفت همه‌جانبه این ابعاد در انسان سالم، از ابتدای تولد نوزاد تا زمان مرگ در تمام جوامع بشری در زیست‌بوم‌های مختلف، تقریباً هماهنگ و منظم است. تحقیقات گسترده علوم تجربی از جمله پزشکی، زیست‌شناسی، عصب‌شناسی و روان‌شناسی درباره انسان و از جمله موضوع مراحل آفرینش انسان نیز بیانگر این نظم و هماهنگی است. اهمیت مسئله «مراحل آفرینش انسان» نه تنها در علم تجربی بلکه در علوم دینی از جمله تفسیر قرآن کریم مورد توجه است؛ به جهت این‌که در آیاتی از قرآن کریم به این مسئله توجه شده است. در شعری منتسب به امام علی، درباره اهمیت ابعاد وجودی انسان ایشان می‌فرماید: «اتزعم أنك جرم صغیر و فیک انطوی العالم الاکبر»؛ ای بشر آیا تو خیال می‌کنی به ظاهر جسم کوچکی هستی در صورتی که در وجود تو جهانی پر از رمز و راز نهفته است (اسکندری، ۱۴۲۴: ۱۶؛ قیصری، ۱۳۷۵: مقدمه/ ۹۱).

مروری بر رویکرد تفاسیر قرآن نشان می‌دهد که برخی همچون تفسیر نمونه آیت‌الله مکارم شیرازی تفسیر الجواهر طنطاوی با رویکرد علمی نگارش یافته؛ اما با وجود رویکرد یکسان در برخی موارد شاهد نتایج متفاوتی هستیم که مسئله مقاله حاضر نیز مطالعه‌ای تطبیقی رویکرد علمی در تفاسیر گفته شده با محوریت موضوع «مراحل آفرینش انسان» است.

از جمله تحقیقات صورت گرفته درباره آفرینش انسان را می‌توان به دو گونه تقسیم نمود: گونه اول به صورت کلی به موضوع آفرینش انسان پرداخته و گونه دوم به صورت موردی به یکی از مراحل آفرینش پرداخته که در ادامه اشاره می‌شود. پژوهش‌های گونه اول چنین است: در مقاله «آفرینش انسان از نگاه قرآن با تأکید بر آیات سوره طارق» (نوبری و نصیری، ۱۳۹۰) نویسندگان در مقام پاسخ به تعارض ادعایی برخی از مستشرقان هستند. یکی از ویژگی‌های قرآن؛ نزول آن در مدت ۲۳ سال با توجه به شرایط و زمان‌های مختلف است و برخی از شرق‌شناسان بدون توجه این امر ادعا نموده‌اند که در آیات آفرینش، عدم هماهنگی در قرآن و نبود حالت ارگانیک نسبت به آفرینش انسان وجود دارد که مقاله پیش‌رو در مقام پاسخ به این مسئله است. مقاله «آفرینش انسان در قرآن کریم با توجه به تفسیر المیزان با نگاهی انتقادی به نظریه تکامل»

(حیدری چناری و مهدوی آزادبنی، ۱۳۹۱) درصدد است تا نظریه تکامل داروین در خصوص آفرینش انسان را بر اساس دیدگاه علامه طباطبایی مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. مقاله «تحلیل روایت داستانی چگونگی آفرینش آدم (ع) در خطبه قاصعه نهج البلاغه» (حدادی و درودگریان، بی تا) از دیگر مقالاتی است که این موضوع را در خطبه قاصعه بررسی نموده است و همچنین نویسندگان مقاله «نقش علوم تجربی در ترجمه قرآن کریم در حوزه آیات آفرینش انسان» (فائز و گوهری، ۱۳۹۷) بیان کرده‌اند که هدف قرآن، هدایت انسان است و در آیات آن به مباحث زیست‌شناسی از جمله آفرینش انسان به عنوان دلیل و نشانه توجه شده که در بیشتر موارد با تحقیقات علم تجربی سازگاری دارد پس شایسته است در ترجمه قرآن از مباحث علم تجربی برای فهم بیشتر مخاطب استفاده شود.

در پژوهش‌های گونه دوم، نویسندگان به صورت موردی به موضوع «مراحل آفرینش انسان» توجه نموده‌اند. به طور مثال می‌توان به مقاله‌های «مراحل رشد جنین از منظر قرآن» و «جستاری در نظام آفرینش جنین در قرآن» (نور محمدی، ۱۳۸۸)؛ «معناشناسی روح در قرآن کریم» (شاکر و سبحانی؛ ۱۳۹۴) و «معناشناسی تطبیقی واژه علقه در قرآن و طب» (سجادی و آشناور، ۱۳۹۱) اشاره نمود؛ بنابراین دانش پژوهان متعددی در حوزه تفسیر علمی آیات آفرینش انسان فعالیت نموده‌اند؛ اما پژوهش حاضر به روش تطبیقی، آفرینش انسان را از مرحله خاک تا مرحله تولد نوزاد، با توجه به رویکرد علمی در تفاسیر نمونه و الجواهر انجام داده که پژوهش‌های پیشین به این مسئله نپرداخته است.

۲. تعریف مفاهیم اولیه

پیش از ورود به بحث اصلی، تعریف مفاهیم بنیادین ضروری است: تعریف تفسیر علمی: تفسیر علمی بهره‌گیری از یافته‌های علوم تجربی در تبیین آیات علمی یا به دست آوردن پیام‌های قرآنی است که مربوط به حوزه علوم تجربی و قابل تجربه باشد؛ به عبارت دیگر تفسیر علمی تفسیری است که روش یا گرایش آن علمی باشد، یعنی دستمایه و دستاوردهای آن مربوط به حوزه علوم تجربی باشد (رستمی، ۱۳۹۷: ۲۳).

معرفی تفسیر نمونه: در طی سال‌های ۱۴۱۰-۱۳۹۶ ش. با همکاری عده‌ای از فضلالی حوزه علمیه قم زیر نظر استاد ناصر مکارم شیرازی یکی از بزرگ‌ترین علمای معاصر که از مجاهدان راه دعوت اسلامی و صاحب‌رأی و اجتهاد است، «تفسیر نمونه» در طی ۱۴ سال گرد آمد (معرفت، ۱۳۷۹: ۵۰۲/۲). این تفسیر از

متداول‌ترین تفاسیر فارسی عصر ماست که به زبان ساده برای عموم به نگارش درآمده است (بابایی، ۱۳۸۲: ۲۰/۱).

روش تفسیر نمونه را می‌توان روش اجتهادی-تحلیلی و عقلی بازشمرد که با مطرح کردن برخی مسائل علمی روز، قدمی در تبیین بیشتر بعضی آیات برداشته است، تفسیر نمونه از تفسیر آیه به آیه برای توضیح بیشتر مضامین قرآنی بهره برده و نیز در مقاطع مختلف با مطرح و نقل کردن روایات اهل بیت (ع) در تبیین هرچه بیشتر آیات تلاش نموده است؛ روش تفسیر نمونه در آیات علمی قرآن، استخدام علوم در فهم آیات و بیان اعجاز علمی قرآن است؛ شیوه تفسیر نمونه به این صورت است که تفسیر نمونه ابتدای هر سوره را با نام آن، مکی، مدنی بودن و تعداد آیات افتتاح می‌نماید، پس از آن به بیان ویژگی‌های سوره در طی چند نکته می‌پردازد، این نکات به طور معمول شامل فضیلت سوره، ثواب قرائت و جایگاه آن است که معمولاً محور این بخش روایات است؛ «عنوان محتوای سوره» مدخل دیگر مفسر برای بحث راجع به خطوط کلی سوره است و آن را در قالب نکته‌ها بیان می‌دارد؛ در مواردی نیز وجه تسمیه سوره را به شکل سؤال مطرح نموده و به آن می‌پردازد، پس از پرداختن به موارد فوق بررسی آیات و تفسیر آن‌ها آغاز می‌گردد، در این بخش ابتدا دسته‌ای از آیات مرتبط به هم را مشخص نموده، ترجمه آن‌ها را بیان می‌دارد، به شأن نزول آیات اهمیت داده و آن را در این مقطع ذکر می‌کند و در نهایت با تفسیر آیات، مطالب خود را در این بخش تکمیل می‌نماید، ضمن اینکه مقاطع آیات خود عنوان بخش هستند، عنوان‌های دیگری را برای تفکیک مطالب از هم به کمک می‌گیرند و این در تسهیل مطالعه و یافتن مطلب مورد نظر خواننده تفسیر، مؤثر است؛ پس از تفسیر عنوان «نکته‌ها» حاوی مطالب و پرسش و پاسخ‌های ارزشمندی است، این بخش شامل عناوین متعدد و مباحث موضوعی فراوانی است (نوذری و همکاران، بی تا: ۶۴۷-۶۵۵).

۳. معرفی تفسیر الجواهر

شیخ طنطاوی جوهری متولد ۱۲۸۷ م. از جمله نویسندگان نامدار مصر در نیمه اول قرن چهاردهم، از اساتید دانشگاه الأزهر و مدرسه دارالعلوم قاهره و آشنا به زبان خارجی است (خرمشاهی، بی تا: ۶۱-۳۱). وی دارای آثار متعددی است که با مشهورترین آن‌ها الجواهر فی تفسیر القرآن اولین و تنها تفسیر کاملی است که با نگرش علمی به طور گسترده تدوین شده است.

روش و منهج طنطاوی، روش علمی بوده و روش آن در تفسیر علمی، استخراج

همه علوم از قرآن است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳: ۲۱۰). خلاصه شیوه تفسیری طنطاوی چنین است: ۱. او ابتدا به تفسیر لفظی، شرح مفردات و ترجمه ساده در حد فهم آیات می پردازد؛ ۲. تأثیر عمیق از شیوه تفسیر علمی دارد به گونه ای که در سراسر تفسیر خود سعی می کند آیات قرآن را با نظریه های علمی تطبیق دهد و نظریه های جدید را از قرآن استخراج کند؛ ۳. تفسیر خود را پر از تصاویر مختلف از مناظر طبیعی، حیوانات و گیاهان کرده است و با استناد به مباحث علمی و تصویری سعی می کند چهره ای کاملاً علمی از قرآن ارائه دهد، به همین دلیل به کلمات اندیشمندان غربی بسیار استناد می کند؛ ۴. به مسائل شبهه علمی و فراروان شناسی نظیر توحید و تعلیل هیپنوتیزم و احضار ارواح بسیار توجه دارد؛ ۵. در تفسیر علمی گاه چندان پیش می رود که از رعایت جانب شرع غافل می شود؛ ۶. از کتاب عهد قدیم نقل قول بسیار دارد؛ ۷. به شرح آیات اخلاق می پردازد و مباحثی اخلاقی و عرفانی ارائه می کند؛ ۸. در قسمت آیات فقهی به بیان احکام اکتفا می کند و برخلاف بحث های علمی آن را شرح و بسط نمی دهد و ۹. رساله های مفصل و بی ارتباطی با سایر قسمت های کتاب، نظم و انسجام این تفسیر را مختل کرده است (رفیعی محمدی، ۱۴۰۰: ۱۹۰).

اشکالی که بر وی گرفته اند این است که برخی از حقایق دینی را طبق آرای افلاطون در کتاب جمهوریت یا بر اساس نظریات فلاسفه اخوان الصفا تشریح نموده و خشنودی خود را نسبت به این نظریات اظهار کرده و با گفتار سلف و مکتب اشعری مخالفت کرده است. علاوه بر این مؤلف، آیات قرآن را بر اساس نظریات جدید علمی - که هنوز به طور کامل تثبیت نشده - تفسیر می کند. در واقع دچار گونه ای تکلف شده که اگر مقصد و هدف قرآن را کمرنگ و مبهم نکند، دست کم بر درخشش آن پرده می افکند که نظرات ایشان در مقاله پیش رو گویای این است. ذهبی نمونه هایی از روش ضعیفی را که در این کتاب به کار رفته، یادآور می شود و در پایان نتیجه می گیرد که این کتاب در اصل یک دایرةالمعارف علمی است که به هر فنی وارد شده است (معرفت، ۱۳۷۹: ۸/۴۷۷-۴۷۸).

۴. مراحل آفرینش انسان در تفاسیر نمونه و الجواهر

قرآن کریم در موارد متعددی سخن از خلقت انسان گفته و مراحل آن را تذکر داده است، هرچند که این آیات به ما درس خداشناسی و معادشناسی می دهد اما نکات و اشاره های علمی ارزنده ای را دربردارد که موجب حیرت متخصصان علوم پزشکی در اعصار مختلف شده است و آن را نه تنها دلیل اعجاز علمی قرآن

بلکه دلیل اعجاز بلاغی قرآن نیز دانسته‌اند. بر اساس آیات قرآن می‌توان مراحل آفرینش انسان را از ابتدا تا زمان تولد نوزاد این‌گونه دسته‌بندی کرد: مرحله خاک، مرحله آب، مرحله منی، مرحله نطفه، مرحله علقه، مرحله مضغه، مرحله تسویه و تصویر، مرحله شکل‌گیری استخوان‌ها، مرحله پوشاندن گوشت بر استخوان‌ها، مرحله آفرینش جنس جنین (مذکر و مؤنث)، مرحله آفرینش روح و مرحله تولد طفل (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۲/۴۳۲ و ۴۲۹). در هریک از این مراحل ابتدا به آیات مرتبط اشاره و سپس به تبیین و مقایسه آن‌ها از نگاه تفاسیر نمونه و الجواهر پرداخته می‌شود.

الف) بررسی مرحله آفرینش انسان از خاک

بنا بر برخی از آیات، اولین مرحله آفرینش انسان مرحله خلقت از خاک است. قرآن در قسمتی از آیات به خلقت حضرت آدم از خاک و در برخی دیگر به خلقت تمام انسان‌ها از خاک اشاره می‌کند: «وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ، ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَمِينٍ» (سجده ۷/ و ۸)؛ «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» (مؤمنون/۱۲). برخی از مفسران همچون علامه طباطبایی با آیه هفتم سوره سجده مراد از واژه «الإنسان» را حضرت آدم (ع) دانسته و معتقدند که منظور آیه، آفرینش حضرت آدم از خاک است (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۶/۲۰). آیت‌الله مکارم نیز چنین دیدگاهی دارند و می‌فرماید: «پیدا است که این آیه سخن از آفرینش حضرت آدم می‌گوید نه همه انسان‌ها چراکه ادامه نسل او در آیه بعد آمده است»؛ اما منظور از «الانسان» در آیه ۱۲ سوره مؤمنون شامل همه انسان‌ها اعم از حضرت آدم و همه فرزندان او است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱: ۱۴/۲۰۶؛ ۱۷/۱۲۶). از نظر شیخ طنطاوی، قرآن و تورات به خلقت حضرت آدم از خاک تصریح دارد و خلقت همسرش نیز از حضرت آدم است و این را سخن همه ادیان می‌داند. او با استناد آیه «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ» خلقت نخستین انسان را از خاک می‌داند؛ اما در ادامه از چگونگی آفرینش آن اظهار بی‌اطلاعی می‌کند و معتقد است که بشر فقط نحوه آفرینش نسل آدم و نسل حیوان را می‌داند نه اصل آدم و اصل حیوان را، به این معنا که انسان از میوه‌ها، حبوبات و گوشت می‌خورد و این‌ها به خون تبدیل و نطفه از خون به وجود می‌آید، سپس در ادامه با اشاره به اختلاف نظر فیلسوفان و حکیمان درباره این موضوع و با تأکید بر نتیجه کلامی آن، در مورد هدف قرآن از طرحش می‌گوید: «کتاب‌های آسمانی از آوردن این موضوع هدفی مهم‌تر از شناساندن پدران اصلی انسان داشته‌اند، آنچه از ورای این موضوع مدنظر بوده و موضوع کلام هم بر آن دلالت دارد، بیان وحدت

کلی انسان‌ها است پس خداوند وحدت منشأ ما را گوشزد می‌کند تا به وحدت کلی انسان‌ها و نظام هستی اشاره کرده باشد» (نفیسی، ۱۳۷۹: ۱۴۷-۱۴۶)؛ به عبارتی طنطاوی این آیات را یک پیام اخلاقی و کلامی می‌داند درحالی‌که آقای مکارم معتقد به تفسیر علمی آیه هستند.

فخر رازی ذیل آیات سوره سجده و مؤمنون به دو دیدگاه اشاره می‌کند: بنا بر دیدگاه اول، منظور از «انسان» در آیه هفتم سوره سجده، حضرت آدم است و در دیدگاه دوم، منظور از «طین» آب و خاک است و چنین تحلیل می‌کند که اصل آدمی از منی و منی ساخته شده از گیاهان و حیوانات است که بازگشت خوراک حیوانات نیز به گیاه است و گیاه از آب و خاک درست می‌شود که خود فخر رازی بیشتر این نظر را می‌پسندد (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۱۴۱/۲۵؛ همان: ۲۶۵/۲۳)؛ بنابراین مراد از انسان اعم از حضرت آدم و نسل او است. این تحلیل هرچند پذیرفتنی است اما با آیه هشتم سوره سجده که مشخصاً درباره چگونگی آفرینش انسان صحبت می‌کند، تعارض دارد و همچنین وی در تحلیلی دیگر معتقد است که مراد از «الانسان» در آیه هفتم، فرزندان آدم و منظور از «طین» خود حضرت آدم است یعنی فرزندان آدم از خاک درست شده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۶۵/۲۳). این تعبیر زیبا با آیه شریفه که می‌فرماید: «وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» سازگاری ندارد چون می‌فرماید: «و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد سپس نسل او را از عصاره‌ای از آب ناچیز و بی‌قدر آفرید» سؤالی که بایستی از فخر رازی پرسید این است که ضمیر «ه» به آدم بازمی‌گردد یا آدم و فرزندان آدم با هم؟

ب) بررسی مرحله آفرینش انسان از آب

دومین مرحله آفرینش بنا بر آیاتی چند از قرآن، خلقت انسان از آب است که برخی به آفرینش از آب مطلق و در برخی دیگر آفرینش از آب با صفتی خاص را مطرح می‌کند: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا» (فرقان/۵۴)؛ «الْمَاءُ نَخَلَقُكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ» (مرسلات/۲۰) و «خَلَقَ مِنْ مَاءٍ دَافِقٍ، يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ التَّرَائِبِ» (طارق/۷ و ۶). آیت الله مکارم در توضیح آیه ۵۴ سوره فرقان درباره ویژگی مطلق بودن آب، چند احتمال از نگاه مفسران را مطرح می‌کند: ۱. مراد آب و خاک (طین) است که از ترکیب آن حضرت آدم به وجود آمد؛ ۲. مراد آب نطفه است که همه انسان‌ها به قدرت پروردگار توسط آن متولد می‌شوند؛ ۳. مراد آبی است که ماده اصلی بدن بوده و بیشترین قسمت وجود هر انسان را تشکیل می‌دهد، سپس جمع همه این معانی را در مفهوم آیه ممکن می‌داند و آفرینش انسان از آب را دلیلی بر

قدرت پروردگار می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۵/۱۲۶)؛ اما ایشان در مورد «ماءٍ مَّهینٍ» می‌نویسد: کلمه «مهین» به معنی ضعیف، حقیر و ناچیز و «آب مهین» آبی است که از نظر شکل و ظاهر بی‌ارزش و بی‌مقدار است و گرنه از اسرارآمیزترین موجودات است. از نظر ساختمان و سلول‌های حیاتی شناور در آن و همچنین ترکیب مخصوص مایعی که سلول‌ها در آن شناورند، بسیار ظریف و فوق‌العاده دقیق و پیچیده است و از نشانه‌های عظمت پروردگار، علم و قدرت او محسوب می‌شود. آقای مکارم در تفسیر آیه ۵ سوره طارق «ماءٍ دافِقٍ» را نطفه مرد (منی) و «الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ» را قسمت پشت و پیش روی مرد می‌داند و می‌نویسد: «در آیات فوق تنها سخن از نطفه مرد در میان است زیرا تعبیر به «آب جهنده» درباره نطفه مرد صادق است نه زن؛ چون ضمیر «یخرج» در آیه «يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ» به «ماءٍ دافِقٍ» برمی‌گردد و می‌گوید: «این آب جهنده از میان صلب و ترائب بیرون می‌آید». این تفسیر هماهنگ است با آنچه در کتب لغت در معنی این دو واژه آمده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۷/۱۲؛ ۲۶/۳۶۷)؛ دو نفر از پزشکان معاصر در این زمینه می‌نویسند: «تمام نقاط و مجاری عبور منی از نظر کالبدشکافی در محدوده صلب و ترائب قرار دارند... پس می‌توان گفت منی از میان صلب مرد به عنوان یک مرکز عصبی تناسلی امرکننده و ترائب او به عنوان رشته‌های عصبی مأمور به اجرا خارج می‌شود و در واقع خروج منی با تناسق و هماهنگی کامل بین آمر و مأمور انجام می‌پذیرد و این مسئله از نظر علمی به اثبات رسیده است» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۲/۴۵۱-۴۵۰)

به عقیده شیخ طنطاوی دو احتمال را می‌توان درباره واژه «الماء» در آیه ۵۴ فرقان بیان کرد: احتمال اول این‌که منظور آبی است که قسمتی از مواد خلقت انسان برای سهولت در حالت و شکل گرفتن آن است یا این‌که مراد آب نطفه باشد. (طنطاوی، ۱۳۵۰: ۱۲/۲۰۱) صاحب تفسیر الجواهر نیز همچون آقای مکارم «ماءٍ مَّهینٍ» را آبی بی‌ارزش، ضعیف و ناچیز بیان می‌کند (طنطاوی، ۱۳۵۰: ۲۴/۳۲۱)؛ اما در مورد «ماءٍ دافِقٍ» نظری متفاوت دارد و می‌گوید: «با این‌که دو آب متفاوت است؛ ولی خداوند آن‌ها را برای حکمتی که امروزه علم جنین‌شناسی آشکار نموده، یکی قرار داده زیرا این آب از مرد و زن است که سپس با هم یکی می‌شوند. مقصود از «صلب» نخاع شوکی مخزون در آن است که نایب دماغ در بدن است و شعبه‌های بسیاری در همه اجزای بدن دارد که وسیله رساندن احساس هستند تا اعضاء حرکت را به کار وادارند و حرکت جماع وابسته به همین قوه است و «ترائب» استخوان‌های سینه زن یعنی محل گلوبند و انواع زینت

است؛ پس مهم‌ترین چیز در کشش و اجتماع مرد و زن، قوه عصبی است که در نخاع شوکی صلب مرد جریان دارد و در زن نیز حسن زینت به خصوص زینت بالای سینه است؛ بنابراین از مرد به صلب و از زن به ترائب تعبیر نمود و این از محاسن بلاغت و مجاز مرسل است که جزء مورد اهمیت بر کل اطلاق می‌شود» (طنطاوی، ۱۳۵۰: ۱۵/۳۵۴-۳۵۵). آیت‌الله طالقانی در نقد دیدگاه ایشان نسبت به وحدت آب «ماءِ دافِقِ» و معانی «الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ» می‌نویسد: «بیان و توجیه این مفسر عصری درباره وحدت آب که پس از تلیقح حاصل می‌شود، با وصف «دافق و یخرج» هم‌خوانی ندارد؛ زیرا آن دو آب، پس از تلیقح و اتحاد جهنده نیست و از محل خود «رحم» خارج نمی‌گردد. همچنین مجاز دانستن «الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ» موافق با سیاق و تعبیر آیه نیست و قرینه مجازی هم ندارد؛ بنابراین «ترائب» در این آیه به معنای سینه یا استخوان سینه زن، شاهد معتبر تفسیری و لغوی ندارد جز آنچه در بعضی اشعار عرب آمده که شاید از قبیل استعاره‌های شعری باشد و از مفسران نخستین فقط «عطا» نقل کرده که مخالف صفت جهنده بودن است و این صفت مخصوص مردان است پس «الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ» را باید در دستگاه نطفه ساز مرد جست‌وجو کرد» (طالقانی، ۱۳۶۲: ۱۳/۳۳۰).

ج) بررسی مرحله آفرینش انسان از منی

سومین مرحله آفرینش در قرآن کریم به مرحله «منی» اشاره می‌کند: «أَفَرَأَيْتُمَا تُمْنُونَ، أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ» (واقعۀ ۵۸ و ۵۹)؛ «الْمَرْيَكُ نُطْفَةٌ مِنْ مَنِي يَمَنِي» (قیامت/۳۷). واژه «منی» بر وزن «فلس» به معنای تقدیر و اندازه‌گیری است و نطفه را بدین جهت منی گویند که با قدرت خداوندی اندازه‌گیری شده و همه جانداران از این آب ساخته می‌شوند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۷۹). فعل «تمنون» از مصدر «إمناء» به معنای ریختن نطفه مرد در رحم زن است (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹/۱۳۲). آیت‌الله مکارم در توضیح آیه ۵۸ واقعۀ به بیان شگفتی‌های حاصل از «منی» می‌پردازد: «این موجود بسیار کوچک بعد از ترکیب با نطفه زن به زودی رشد می‌کند و به‌طور سرسام‌آوری تکثیر یافته و سلول‌های بدن انسان را می‌سازد و با این‌که سلول‌ها ظاهراً همه مشابه‌اند به زودی از هم جدا می‌شوند، گروهی قلب انسان را تشکیل می‌دهند، گروهی دست و پا، گروهی چشم و گوش و هریک درست در جای خود قرار می‌گیرند، خلاصه این‌که نطفه در دوران جنینی عوالم پرغوغایی را طی می‌کند تا به صورت طفلی متولد گردد و همه این‌ها در پرتو خالقیت مستمر و مداوم الهی است درحالی‌که نقش ساده انسان در این خلقت در یک لحظه تمام می‌شود و آن لحظه فقط ریختن نطفه

در رحم است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۴۱/۲۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۷۱/۲). شیخ طنطاوی نیز، «منی» را نطفه مرد می‌داند که در رحم زن ریخته می‌شود. (طنطاوی، ۱۳۵۰: ۷۹/۲۴ و ۳۰۲)؛ اما در سیاق آیات ۲۸-۳۸ سوره قیامت هشت علم کالبدشناسی، جنین‌شناسی، گیاه‌شناسی، جانورشناسی، علم اخلاق، علم سیاست و اجتماع، علوم تربیتی و علم ماوراءالطبیعه را نام می‌برد و به تفصیل فواید هریک را بیان می‌کند سپس می‌گوید: «هفت علم اول همگی در خدمت علم ماوراءالطبیعه و به سان شاخه‌های درخت واحد یعنی علم ماوراءالطبیعه هستند. این علوم هرچند برای انسان و تعالی جامعه ضروری و مفید است اما هدف اصلی آن است که از یادگیری این علوم به قدرت و صنع الهی در آفرینش انسان، موجودات و جهان و اتقان و استواری آن پی ببریم» (طنطاوی، ۱۳۵۰: ۲۴/۳۰۷-۳۰۴)؛ به عبارتی تفسیر وی از آیات شریفه، تفسیر اعتقادی است به خلاف آیت‌الله مکارم که آن را گونه‌ای از اعجاز علمی و مرحله‌ای از آفرینش انسان می‌داند و به بیانی دیگر تفسیر طنطاوی تفسیری کلی و تفسیر آقای مکارم تفسیر جزئی است. همچنین نگاهی به دیگر تفاسیر فریقین نشان می‌دهد که در غالب موارد مفسران، در مقام پاسخ به مشرکانی هستند که آفرینش انسان پس از مرگ را انکار می‌نمایند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۹/۳۳۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۹/۴۱۶؛ ابن عاشور، بی‌تا: ۲۷/۲۸۷).

د) بررسی مرحله آفرینش انسان از نطفه

چهارمین مرحله آفرینش در قرآن به خلقت انسان از نطفه می‌پردازد. در آیاتی مثل «ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ» (مؤمنون/۱۳) از نطفه مطلق و در سوره انسان از نطفه مخلوط سخن می‌گوید: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا» (انسان/۲). واژه «نطفه» به معنی آب صاف است و برخی «نطفه» را از «نطف» به معنی چکیدن توأم با صاف شدن معنا کرده‌اند. اگر نطفه در آیات به معنی آب کم باشد، مقصود آن است که بشر از آب کمی آفریده شده و اگر به معنی آب صاف باشد، نطفه چکیده و صاف شده وجود انسان است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۸۱۱؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۷/۷۸). نطفه در اصطلاح عبارت است از چیزی که از مردان یا زنان برای لقاح و تشکیل جنین خارج می‌شود. در مورد آب مردان به آن منی می‌گویند و از نظر پزشکی شامل میلیون‌ها اسپرم است و در مورد آب زنان به آن تخمک می‌گویند (پاک‌نژاد، ۱۳۵۰: ۱/۲۴۱).

مطابق آیات قرآن که خلقت انسان از دو نوع نطفه را متذکر شده، آیت‌الله مکارم نیز در تفسیر خود به آفرینش انسان از «مطلق نطفه» و «نطفه آمشاج» اشاره

می‌کند. وی در معنای نطفه می‌فرماید: «نطفه به معنی آب صاف است؛ البته بعضی از اهل لغت آن را به معنی آب کم گرفته‌اند و از آنجا طکه آب مبدأ پیدایش انسان کم، تصفیه شده و عصاره تمام بدن است، این واژه بر آن اطلاق شده است» مکارم در تفسیر آیه پنجم سوره حج در ابتدا به منشأ اصلی نطفه (آب مرد و زن) پرداخته است. نطفه از مواد غذایی تشکیل شده که از خاک گرفته می‌شوند که پس از طی مراحل نطفه جنین به وجود می‌آید. این نطفه از موجودات زنده ذره‌بینی اسرار انگیزی تشکیل یافته که در مرد «اسپریم» و در زن «اوول» نامیده می‌شود و این موجودات ذره‌بینی شناور به قدری کوچک هستند که در نطفه یک مرد ممکن است میلیون‌ها اسپریم وجود داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲/۶۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴/۲۲)؛ بنابراین منظور از نطفه ذکر شده در این آیه، مطلق نطفه است که می‌تواند شامل نطفه زن و مرد باشد. نظر شیخ طنطاوی درباره معنای اصطلاحی نطفه که بدون قید آمده، متفاوت از دیدگاه آیت‌الله مکارم است و می‌گوید: «بدن انسان از خون ناشی از غذایی تشکیل شده که به خاک می‌رسد و نطفه از آن خون به وجود می‌آید» (طنطاوی، ۱۳۵۰: ۴/۱۱).

نوع دوم نطفه که دارای ویژگی أمشاج و آمیخته بودن است در آیه «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ» (انسان ۲) آمده است. آیت‌الله مکارم با اعتقاد به اعجاز علمی این آیه، واژه «أمشاج» را جمع «مشج» یا «مشیج» به معنی شیء مخلوط می‌داند؛ سپس با اشاره به آراء مفسران درباره نطفه مخلوط (ترکیب نطفه انسان از اسپریم و اوول، ترکیب آن از استعداد های مختلف و ترکیب آن از مواد مختلفی از فلزات و شبه فلزات) در ادامه می‌نویسد: «این نوع تفسیر با توجه به موارد زیر دقیقاً منطبق بر معنای آیه نیست؛ اول این که «أمشاج» جمع و اطلاق آن بر دو چیز خلاف ظاهر است؛ دوم این که وجود استعداد های مختلف در اشخاص با معنای آیه تناسب ندارد؛ سوم این که ترکیب نطفه از انواع فلزات و شبه فلزات نیز مناسب به نظر نمی‌رسد زیرا این امر منحصر به نطفه نیست و تمام موجودات آلی اعم از انسان و گیاه و انواع غذاها ترکیبی از این مواد هستند و چهارم این که واژه نطفه در آیات متعددی از قرآن به خصوص نطفه مرد اطلاق شده است. با پیشرفت علم و گسترش تحقیقات دانشمندان، امروزه این معنا اثبات شده که این قطرات ناچیز منی از آب های متعددی که غدد مختلف بدن ترشح می‌کنند، ترکیب شده و ترشحات پنج غده منی را درست می‌کنند و آن‌ها عبارت‌اند از: دو غده به نام بیضه که در کیسه‌های تخمی نزدیک غده پروستات قرار دارند و دیگری خود پروستات و همچنین کوپر و لیتره که در کنار مجاری ادرار

قرار دارند. این آب‌های پنج‌گانه با نسبت دقیق و حساب شده‌ای به هم می‌آمیزند و ماده حیات آفرین نطفه را تشکیل می‌دهند»، سپس با اشاره به موریس بوکای می‌افزاید: «این دانشمند فرانسوی معتقد است که تعبیر به «امشاج» که در قرآن وارد شده، اشاره به همین نکته دقیق دارد و هنگام نزول آیات قرآن از چشم جهانیان و دانشمندان آن عصر پوشیده و پنهان بوده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۸ / ۱۸۴-۱۸۲). منظور از «نطفه امشاج» از نظر شیخ طنطاوی شامل اکسیژن، هیدروژن، کربن، ازت، گوگرد، فسفر، پتاسیم، کلسیم، منیزم و آهن است و عقیده دارد که این عناصر با یکدیگر مخلوط و موجب به وجود آمدن نطفه در انسان شده و انسان نیز از این نطفه به وجود آمده است؛ بنابراین مبدأ انسان از آهن، کربن و موارد گفته شده است (همان: ۲۴ / ۳۱۴)؛ علامه طهرانی در کتاب «نور ملکوت قرآن» به تفصیل به نقل و نقد دیدگاه طنطاوی در این مورد پرداخته و آن را تطبیق و تحمیل بر آیات قرآن می‌داند (حسینی طهرانی، ۱۴۲۷: ۴ / ۱۶-۱۵ و ۴۴)؛ به عبارتی می‌توان چنین گفت که هر دو مفسر از «نطفه امشاج» معنای مخلوط شدن چیزی با چیزی دیگر را برداشت می‌کنند اما مکارم شیرازی نطفه را تشکیل یافته از پنج غده و طنطاوی شامل عناصر آهن، کربن و مواردی از این قبیل می‌داند. بررسی دیدگاه دیگر مفسران نیز نشان می‌دهد که برخی «نطفه امشاج» را آمیختگی اجزای مختلف آن با یکدیگر یا مخلوط شدن آب نر با ماده (طباطبایی، ۱۴۱۴: ۱۲۱/۲۰؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۰ / ۷۴۰)، آمیختگی طبایع مختلف آدمی همچون گرمی، سردی، رطوبت و خشکی (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۰ / ۷۴۰) و برخی دیگر آمیختگی گیاهان، خاک و عناصر دیگر (ابن عاشور، بی‌تا: ۲۹ / ۳۴۸) تفسیر می‌کنند. همان‌طور که از تفاسیر برمی‌آید، ایشان به صورت دقیق منظور از این آمیختگی را مشخص نکرده و فقط با عبارات کلی بیان کرده‌اند؛ اما کلام آیت‌الله مکارم شیرازی مبنی بر این‌که «امروزه علم ثابت کرده که «نطفه امشاج» از غدد پنج‌گانه تشکیل شده»، امری علمی - تجربی است و بنا بر پذیرش این قول، پس عبارت «نطفه امشاج» نیز همچون «نطفه مطلق» که در آیه ۱۳ سوره مؤمنون به کار رفته است فقط مربوط به آب منی مرد است. این در حالی است که در ادامه آیه سخن از آفرینش مرحله دیگر یعنی «علقه» بودن مطرح است و امروزه علم تجربی ثابت نموده که قبل از مرحله علقه بودن، مرحله تشکیل نطفه یعنی آمیختگی نطفه زن و مرد با یکدیگر است؛ بنابراین دیدگاه علامه طباطبایی و فخر رازی با سیاق آیات سازگاری بیشتری دارد هرچند که مواد تشکیل دهنده منی مرد می‌تواند از غدد گفته شده تشکیل شود.

۵) بررسی مرحله آفرینش انسان از علق

پنجمین مرحله آفرینش انسان در قرآن «علق» نام دارد. واژه «علق» شش بار و در پنج آیه به صورت‌های مختلف در آیات «حَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ» (علق/۲)؛ «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ» (غافر/۶۷) و آیات ۱۴ سوره مؤمنون و ۵ سوره حج به‌کاررفته است. واژه «علق» جمع «علقه» به معنی چیزی است که به چیز بالاتر آویزان شود و در معانی دیگر مثل خون بسته، کرمی که در حلق و گلوئی حیوان می‌چسبد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۷۹؛ مصطفوی ۱۳۷۱: ۲۰۲/۸) و خون جامد و خشکیده (علامه طباطبائی، ۱۴۱۷: ۱۴/۳۴۴؛ فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۳/۲۶۵) به‌کاررفته است. در اصطلاح نیز همان خون بسته‌ای است که از ترکیب اسپرم مرد با اوول زن حاصل و به رحم زن داخل می‌شود و خود را به آن آویزان می‌کند. پس از پیوستن نطفه مرد به تخمک زن، تکثیر سلولی آغاز می‌شود و به صورت یک توده سلولی به شکل توت است که در رحم لانه می‌گزیند؛ یعنی سلول‌های تغذیه‌کننده به درون لایه مخاطی رحم نفوذ می‌کنند و به آن آویزان می‌شوند (رضایی، ۱۳۸۷: ۷۷-۷۶).

آیت‌الله مکارم در تفسیر آیه دوم سوره علق چند احتمال را درباره واژه «علق» مطرح می‌کند: ۱. علق به معنی چسبیدن به چیزی است و لذا به خون بسته و همچنین به زالو که برای مکیدن به خون می‌چسبند، علق گفته‌اند و نیز به نطفه که به شکل قطعه خون چسبنده درمی‌آید علق گفته می‌شود؛ ۲. منظور از علق در اینجا، گِل حضرت آدم (ع) است که حالت چسبندگی داشت؛ ۳. علق به معنی موجود صاحب علاقه که اشاره به روح اجتماعی انسان و علاقه آن‌ها به یکدیگر است که پایه اصلی تکامل بشر و پیشرفت تمدن‌ها را تشکیل می‌دهد و ۴. اشاره به نطفه نر که شباهت زیادی به زالو دارد و این موجود ذره‌بینی که در آب نطفه شناور است به سوی نطفه زن در رحم پیش می‌رود و به آن می‌چسبد و از ترکیب آن دو نطفه کامل انسان به وجود می‌آید. آقای مکارم از میان تفاسیر گفته شده، تفسیر اول را ترجیح می‌دهد و جمع میان چهار تفسیر را نیز بی‌مانع می‌داند، سپس می‌نویسد: «درست است که در آن زمان این‌گونه مسائل هنوز ناشناخته بود ولی قرآن مجید از طریق اعجاز علمی از روی آن پرده برداشت» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۲۷/۱۵۷-۱۵۶). طنطاوی نیز واژه «علق» را به معنی قطعه خون بسته می‌داند و ذیل آیات ۶۸-۶۷ سوره غافر به مسئله خلقت انسان از نفس واحده اشاره می‌کند درحالی‌که آیه شریفه یا سیاق آیات به این امر نمی‌پردازد (طنطاوی، ۱۳۶۲: ۱۱/۴ و ۹۴) و در بحث از سوره علق به شرح مسائل پزشکی

می‌پردازد و یادآور می‌شود که برای فهم آیه باید از رموز تلقیح آگاهی داشت، گاه به هنگام نقل حقایق علمی به هیجان می‌آید و می‌نویسد: ستایش خدایی را که اکنون پزشکی نیز راهی برای فهم و تفسیر قرآن شده است (نریمان و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۷۲-۲۵۱).

و) بررسی مرحله آفرینش انسان از مضغه

ششمین مرحله آفرینش انسان در قرآن کریم پس از علقه «مضغه» نام دارد که در دو آیه و سه بار از آن سخن گفته است: «ثُمَّ مِنْ مَّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُّخَلَّقَةٍ لِّنَبِّينَ لَكُمْ» (حج/۵)؛ «ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً» (مؤمنون/۱۴). واژه «مضغه» در لغت از ماده «مضغ» به معنی جویدن و گوشت جویده شده است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۷۷۰؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۶/۲۶۱).

آیت‌الله مکارم در تفسیر آیه پنجم سوره حج در معنی کلمه «مضغه» می‌نویسد: «این واژه به معنی مقدار کمی گوشت است که انسان در یک لقمه می‌تواند آن را بجود و این تشبیه جالبی برای جنین در دوران بعد از علقه بودن است. در واقع جنین بعد از مرحله علقه، شکل یک قطعه گوشت جویده شده به خود می‌گیرد بی‌آنکه اعضای مختلف در آن مشخص باشد؛ اما ناگهان در پوسته جنین تغییراتی پیدا می‌شود و شکل آن متناسب با کاری که باید انجام شود تغییر می‌یابد و اعضای بدن کم‌کم ظاهر می‌شود. جنین‌هایی که از این مرحله نگذردند و همچنان به صورت سابق یا ناقص بمانند ساقط می‌شوند و از رده خارج می‌گردند، جمله «مخلقه و غیرمخلقه» ممکن است اشاره به این مرحله باشد یعنی کامل‌الخلقه و غیرکامل‌الخلقه (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴/۱۸ و ۲۴). در همین زمینه مرحوم طبرسی روایتی از پیامبر (ص) را به این مضمون بیان می‌کند: «پس از آن‌که نطفه چهل روز در رحم مادر قرار گرفت خون بسته می‌شود و بعد از چهل روز به صورت قطعه گوشتی درمی‌آید، سپس فرشته موکل بر او می‌گوید پروردگارا تمام یا ناتمام قرار دهم، اگر خداوند بفرماید «غیرمخلقه»، تمام نخواهد شد و رحم آن را سقط می‌کند و می‌اندازد و اگر خداوند کریم بفرماید «مخلقه»، خواهد ماند و رحم آن را سقط نمی‌کند بلکه خلقت او تمام خواهد شد» (طبرسی، ۱۳۷۷: ۴/۳۸۰).

از نظر شیخ طنطاوی نیز «مضغه» به معنی گوشت جویده شده است؛ اما «مخلقه بودن» را آفرینشی کامل و سالم و بدون هیچ عیبی و «غیرمخلقه بودن» را آفرینش ناقص دانسته است. تولد فرزندان ناقص‌الخلقه همچون نابینایان، ناشنوایان، افراد ناقص عضو، ضعف عقل یا حتی کسانی که در مسیر زندگی دچار نقص عضو

می شوند را شامل «غیر مخلقه» می داند، وی سپس متذکر می شود که آفرینش این گروه از روی غفلت و کم توجهی پروردگار نبوده بلکه به خاطر آن است که انسان های سالم از اشخاص ناقص درس بگیرند و از استعدادها و نعمت هایی که به آن ها داده شده، استفاده کنند؛ زیرا این نوع کمبودها در حیوانات ما را تحت تأثیر قرار نمی دهد اما کمبود و ناهنجاری در بدن انسان، سریع ترین اثر را بر نفس و روح انسان دارد. تفسیر الجواهر در جای دیگر «مضغه مخلقه و غیرمخلقه» را به نقل از دانشمندان به صورت دیگری بیان می کند. جنین انسان در شکم مادر دارای یک خلقت تدریجی است که در ابتدا به صورت کرم، حلزون، ماهی، مگس و میمون بوده و بعد به شکل جنین انسان درآمده و این همان چیزی است که خدا به آن اشاره می فرماید: «...ثُمَّ مِنْ مَّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ...» یعنی آنچه پیش از بشر است خلقت ناقص و به مرحله جنین انسان رسیدن، خلقت کامل آن است، سپس نظر دانشمندان را در این مورد غیرقطعی می داند، اما در جاهای دیگر با اشاره به همین فرضیه، ارتباط انسان با حیوانات (بازی کودک با گربه و...) را نتیجه آن می داند (طنطاوی، ۱۳۶۲: ۱۱/۱۴؛ ۱۹/۱۰۵).

ز) بررسی مرحله تسویه و تصویر

هفتمین مرحله آفرینش انسان در قرآن بنا بر آیاتی چند تسویه است و در برخی دیگر از آیات خداوند را صورتگر معرفی می نماید. قرآن می فرماید: «...ثُمَّ جَعَلْنَا نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ، ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِهِ...» (سجده/۹-۷)؛ «ثُمَّ كَانَ عَاقِبَتُهُ فِخْلَقٍ فَسَوَّى» (قیامت/۳۸)؛ «هُوَ الَّذِي يَصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ...» (آل عمران/۶). واژه «تسویه» در لغت به معنی قراردادن چیزی به صورت معتدل در عمل، نظم، تدبیر و تکمیل و «تصویر» به معنی صورت دادن و شکل دادن است و «مُصَوِّر» به معنی صورت دهنده است (مصطفوی، ۱۳۷۱: ۵/۲۸۰؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۴/۱۶۳). آیت الله مکارم «سواه» را از ماده «تسویه» تکمیل کردن معنا کرده و معتقد است که آن اشاره به مجموع مراحل دارد که انسان از نطفه تا ظهور اعضای بدن طی کرده و همچنین مراحل را که آدم (ع) بعد از آفرینش از خاک تا مرحله نفخ روح پیموده است «فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ». ایشان در مورد تصویر نیز می نویسد: «تا این مرحله تمام سلول ها به یکدیگر شبیه هستند و از نظر ظاهر اختلافی ندارند ولی از این مرحله به بعد صورتگری جنین آغاز می شود و اجزای آن به تناسب کارهایی که در آینده باید انجام دهند در آن ها تغییراتی شکل می گیرد و هر گروه از سلول ها عهده دار ساختن یکی از دستگاه های بدن می شوند... در نتیجه جنین پس از این مراحل

در رحم مادر به شکل انسانی موزون، صورتگری می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۱۲۷/۱۷؛ ۴۲۹/۲). شیخ طنطاوی نیز همچون آقای مکارم تسویه را به معنی تمام و کامل کردن خلقت جنین و آماده کردن آن برای نفع روح دانسته است (طنطاوی، ۱۳۶۲: ۷/۱۵)؛ ولی به مرحله تصویر اشاره‌ای ندارد؛ اما دیدگاه علامه طباطبایی درباره «تصویری» که در آیه «هُوَ الَّذِي يَصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ...» آمده متفاوت است چون ایشان در تفسیر آیه به اعجاز علمی، آن‌گونه که آقای مکارم معتقدند اشاره‌ای نکرده‌اند. ایشان می‌فرماید: «آن‌کس که به آیات خدا کفر می‌ورزد، خوارتر و پست‌تر از آن است که با استقلال خودش و بدون اینکه خدای سبحان هیچ دخالتی داشته باشد بتواند به آیات خدا کفر بورزد و در این کار به قدرت خود متکی باشد بدون اینکه خدا در این باره اذنی داده باشد تا در نتیجه او بر خدا غالب آمده باشد و نظام عالم را که زیباترین نظام است بر هم بزند و نیز بتواند اراده خود را بر اراده خدا تحمیل کند بلکه اگر هم به آیات خدا کفر می‌ورزد، باز به خاطر این است که خدا به او چنین اذنی داده است یعنی خدای سبحان اموری را تنظیم کرده و آن امور تنظیم شده که همان عالم دنیا است، طوری تنظیم شده که نتیجه‌اش پدید آمدن موجوداتی دارای اختیار و به نام انسان باشد تا زمینه آزمایش و امتحان، فراهم گردد و هر کس بخواهد به اختیار خود ایمان آورد و هر کس خواست به اختیار خودش کفر بورزد، پس هر دو طایفه هر چه بخواهند وقتی می‌خواهند که خدای رب العالمین هم خواسته باشد؛ بنابراین هیچ کفری و ایمانی و هیچ سرنوشت دیگری نیست مگر آنکه با تقدیر الهی است» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴/۳-۱۳).

ح) بررسی مرحله شکل‌گیری استخوان‌ها و پوشاندن گوشت بر آن‌ها «عظام و لحم»

هشتمین مرحله آفرینش انسان شکل‌گیری استخوان‌ها و پوشاندن آن با گوشت است. به جهت این‌که مفسران و متخصصان علوم پزشکی این دو مرحله را به دلیل نزدیکی باهم بررسی کرده‌اند، در اینجا نیز باهم بررسی می‌شوند. قرآن می‌فرماید: «...فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا...» (مؤمنون/۱۴). دکتر دیاب و قرقوز می‌نویسند: «این آیه شریفه نه فقط به شکل‌گیری و تکوین استخوان پیش از گوشت به‌گونه‌ای بدیع اشاره دارد حتی گوشت را به عنوان «کسا» نام برده و برای کسانی که با علم کالبدشکافی سروکار دارند کاملاً واضح است که عضلات طوری استخوان‌ها را در برگرفته‌اند که گویی پوششی برای استخوان هستند، بلکه به نظر ما به تمایز و تخلق که از این مضغه کوچک آغاز

می شود نیز اشاره دارد» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۲/ ۵۰۶).
 آیت الله مکارم در تفسیر آیه شریفه با اشاره به اعجاز علمی در این مرحله از خلقت می نویسد: «امروزه علم جنین شناسی ثابت کرده که وقتی جنین، مرحله علقه و مضغه را پشت سر گذاشت تمام سلول های آن تبدیل به سلول های استخوان می شود و بعد از آن تدریجاً عضلات و گوشت روی آن را می پوشاند، این معنا با فیلم برداری های دقیق و پرهزینه ای که از تمام مراحل جنین به عمل آمده اثبات شده و یکی از معجزات علمی قرآن است؛ چراکه در آن روز چیزی به نام علم جنین شناسی وجود نداشت مخصوصاً در محیط جزیره عربستان که از ساده ترین مسائل علمی نیز خبری نبود»، سید قطب نیز دیدگاهی شبیه به این را دارد. آیت الله مکارم در ادامه عبارت «فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا» را به «لباس مقاوم برای استخوان ها» تعبیر کرده و شرح می دهد: «این که از عضله ها تعبیر به لباس می کند، خود گویای این واقعیت است که اگر این لباس بر استخوان ها نبود بسیار اندام انسان زشت و نازیبا بود (درست همانند اسکلت هایی که همه ما خود آن یا لااقل عکس آن را دیده ایم) و همان طور که لباس حافظ بدن است، عضلات نیز حافظ استخوان ها هستند که اگر آن ها نبودند ضربه هایی که بر بدن وارد می شد استخوان ها دچار صدمه و شکست می شد، همچنین کاری را که لباس در حفاظت انسان از گرما و سرما می کند گوشت ها در نگه داری استخوان ها که ستون اصلی بدن هستند انجام می دهند، این ها همه نشان دهنده دقت قرآن در تعبیرات است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۸/ ۱۸۷؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱: ۱۴/ ۲۱۳-۲۱۲).

شیخ طنطاوی دارای تفسیری متفاوت از آیه شریفه است و می گوید: «مضغه شامل موادی است که از هم تفکیک می شوند؛ یعنی آن چه از عناصر موجود در آن، موادی برای استخوان بود و تبدیل به استخوان می شد از آن ها استخوان ساختم و آنچه را که مواد گوشت بود و تبدیل به گوشت می شد، گوشت قرار دادیم زیرا مواد غذایی هم شامل استخوان و هم گوشت می شود» (طنطاوی، ۱۳۵۰: ۸۱/ ۹۴)؛ بنابراین آیت الله مکارم عظام و لحم را دو مرحله جدا از هم می داند اما شیخ طنطاوی آن را در یک مرحله بیان کرده است.

ط) بررسی مرحله آفرینش جنس جنین (مذکر یا مؤنث)

دهمین مرحله آفرینش انسان به بیان جنسیت جنین می پردازد: «... ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّى، فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَى» (قیامة/ ۳۸ و ۳۹)؛ «... یَخْلُقُ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنِثَاءً وَّ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكَورَ، أَوْ يَزْوِجُهُمْ ذُكْرَانًا

وَإِنَّا نَأْتُوا بِبَنَاتٍ بِطُورٍ أَمَّا الْبَشَرُ لَغُفْلٌ ﴿٥٠﴾ (شوری/ ۵۰ و ۴۹). برخی از منابع پزشکی تصریح کرده‌اند که در طی سومین ماه بارداری، صورت جنین بیشتر شکل انسان به خود می‌گیرد... اعضاء تناسلی خارجی نیز به حدی تکامل یافته که در دوازدهمین هفته، جنس جنین را با امتحان وضع ظاهری می‌توان مشخص ساخت. نکته جالب توجه این است که قرآن مرحله خلقت جنس جنین را پس از مرحله تسویه قرار داده است «... فَسَوَّىٰ فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ» و این همان زمانی است که مرحله مضغه و تسویه در سه ماهگی تمام می‌شود و جنسیت از نظر پزشکی قابل تشخیص است یعنی رتبه تعیین جنسیت در مراحل خلقت انسان در قرآن کریم و علم جنین‌شناسی کاملاً منطبق با یکدیگر است. دکتر دیاب و قرقوز در مورد تشکیل دستگاه تناسلی جنین می‌نویسند: «از همان هنگام که انسان به صورت پاره گوشتی (جنین جوان) در شکم مادر قرار گرفته، دو برجستگی از طناب پشتی که بعداً ستون فقرات را تشکیل خواهد داد، به وجود می‌آیند این دو برجستگی را لوله‌های تناسلی می‌نامند، جنسیت جنین به وسیله این لوله‌های تناسلی شناخته می‌شود. اگر مقدر شده که جنین پسر باشد این دو لوله از هفته ششم عمر جنین شروع به ساخت بافت‌های مشابه بافت‌های بیضه می‌کنند و به ترشح هورمون‌های جنسی نر که اساس شکل‌گیری دستگاه تناسلی را در دوران جنینی تشکیل می‌دهد می‌پردازند؛ اما اگر جنین دختر باشد این لوله‌های تناسلی از هم متمایز شده تا در هفته دهم بافت‌هایی شبیه بافت‌های تخمدان را تشکیل دهند. شکل‌گیری دستگاه تناسلی مؤنث به دلیل نبودن هورمون‌های نر صورت می‌پذیرد و نه به سبب وجود هورمون‌های مؤنث و بدین طریق تخمدان‌ها ساخته می‌شود» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۲/ ۵۱۵-۵۱۴).

آیت‌الله مکارم در تفسیر آیات ۴۹ و ۵۰ سوره شوری درباره تعیین جنسیت جنین می‌نویسد: «مردم به چهار گروه تقسیم می‌شوند: آن‌هایی که تنها پسر دارند و در آرزوی دختر هستند، آن‌هایی که دختر دارند و در آرزوی پسر هستند، آن‌ها که هر دو را دارند و گروهی که فاقد هرگونه فرزند و قلبشان در آرزوی آن پسر می‌کشد و عجب اینکه هیچ‌کس نه در زمان‌های گذشته و نه امروز که علوم و دانش‌ها پیشرفت کرده، قدرت انتخاب در این مسئله را ندارد و علیرغم تمام تلاش‌ها و کوشش‌ها هرگز کسی نتوانسته است عقیمان واقعی را فرزند بخشد، یا نوع فرزند را طبق تمایل انسان تعیین کند، اگرچه نقش بعضی از غذاها و داروها را در افزایش احتمال تولد پسر یا دختر نمی‌توان انکار کرد ولی باید دانست که این‌ها فقط احتمال را افزایش می‌دهد و نتیجه هیچ‌یک قطعی نیست» (مکارم شیرازی،

۱۳۸۶: ۲۰ / ۴۸۴ - ۴۸۳.

به اعتقاد طنطاوی ضرورتی ندارد که آیه شریفه از نظر فیزیولوژیکی تفسیر شود بلکه واضح است که این آیه حکمتی است تا زنان و مردان در زمین را تعیین و مشخص کند. طنطاوی چندین مطالعه بر روی این موضوع انجام داده و یافته‌های خود را در کتابش به نام انسان کجاست منتشر کرده و نتیجه می‌گیرد که این آیه و سایر آیه‌های مشابه مربوط به دوگانگی جنسیتی، بر توجه خداوند به مخلوقات خود اشاره دارد و بیان‌کننده آفرینش برابر آن‌ها است. اندیشمندان دیدگاه طنطاوی را نقد نموده و می‌نویسند: «این آیات تأیید دانش جنین‌شناسی بر آموزه‌های ارزشمند قرآنی در بررسی خلقت انسان است و هر کدام از اصطلاحات قرآنی شکل مقطعی جنین را توصیف می‌کند» (نریمان، ۱۴۰۰: ۲۷۲-۲۵۱).

ی) بررسی مرحله آفرینش روح

در یازدهمین مرحله آفرینش انسان، روح در جنین دمیده می‌شود که قرآن آن را به عنوان مرحله‌ای از تطورات جنین معرفی می‌فرماید: «...فَكَسَوْنَا الْعِضَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَا خَلْقًا آخَرَ...» (مؤمنون/۱۴). به طور کلی مهم‌ترین اتفاقی که پس از ماه سوم برای جنین پیش می‌آید، حرکت و فعالیت قلب، رشد سریع جنین و شکل‌گیری اندام‌های خارجی است. در ماه سوم و ابتدای ماه چهارم به دلیل عصب دار شدن اندام‌ها، حرکت جنین آغاز شده و زن باردار در ماه چهارم حرکت جنین را کاملاً احساس می‌کند. معمولاً جنین دختر زودتر از پسر حرکت را شروع می‌کند، ضربان قلب جنین از ابتدای ماه چهارم آغاز شده و کاملاً شنیده می‌شود. قرآن پس از بیان مراحل خلقت جنین به مرحله «...ثُمَّ أَنْشَأْنَا خَلْقًا آخَرَ...» اشاره نموده و شاید آگاه‌ترین فرد به این مرحله و حتی پیش از پزشکان، مادری است که با اولین حرکت جنین چیزی در درون خود احساس می‌کند که از قبل وجود نداشته و روح دیگری در اعماق آن به وجود آمده است. به علاوه دانشمندان پی برده‌اند که جنین در اواخر دوران بارداری قادر به شنیدن است و نخست صدای ضربان قلب مادر را می‌شنود» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۲ / ۵۲۷-۵۲۶).

آیت‌الله مکارم تعبیر به نفخ (دمیدن) را کنایه‌ای برای حلول روح در بدن آدمی می‌داند که گویی تشبیه به هوا و تنفس شده است هرچند که نه این است و نه آن. به اعتقاد وی مهم‌ترین مرحله آفرینش بشر دمیدن روح در قالب جنین است که قرآن با یک تعبیر سربسته و پُر معنی به آن اشاره می‌کند که با مراحل قبل تفاوتی اساسی دارد. مرحله نفخ روح همان مرحله‌ای است که جنین وارد مرحله حیات انسانی می‌شود، حس و حرکت پیدا می‌کند و به جنبش درمی‌آید که

در روایات اسلامی از آن تعبیر به مرحله «نفخ روح» شده است. با دمیدن روح در کالبد جنین انسان با یک جهش زندگی گیاهی و نباتی را پشت سر گذاشته و گام به جهان حیوانات و از آن برتر به جهان انسان‌ها می‌گذارد و فاصله آن با مرحله قبل به قدری زیاد است که تعبیر از آن با جمله «ثم خلقنا» کافی نبود و لذا فرموده است: «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ» (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۱: ۱۷/ ۱۲۷؛ ۱۴/ ۲۱۲-۲۱۱).

شیخ طنطاوی نیز در این مرحله را، مرحله دمیدن روح در جان می‌داند یعنی جنین بعد از آن که شبیه به جماد و جسم بی‌جان بود، تبدیل به حیوان و انسان ناطق، شنوا و بینا می‌شود و تمام اعضای او به خوبی تقسیم می‌شود که با یک وجب اندازه‌گیری می‌شوند؛ سپس در ادامه به بحث درباره وجب انسان، فایده آن و استفاده از آن به عنوان ابزار سنجش و اندازه‌گیری می‌پردازد و معتقد است که خداوند آن را در رَجْم برای انسان مقدر کرده و در مضمون آیه «...ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ...» به آن اشاره کرده است (طنطاوی، ۱۳۶۲: ۱۱/ ۹۴)؛ بنابراین آفرینش این مرحله با مرحله‌های دیگر متفاوت است به خاطر این که زندگی نباتی داشت و تبدیل به حیوان شد، گنگ بود و درحالی حاضر عاقل است، ناشنوا بود و شنوا شد و نادان بود و با بصیرت شد. پس این آیه سخن نَظَام را مبنی بر این که انسان همان روح است و بدنی ندارد را رد می‌کند چون خدای متعال بیان می‌فرماید که انسان مرکب از این صفات است (فخر رازی، ۱۴۲۰: ج ۲۳/ ۲۶۵). مسئله مهم این است که سیاق آیه از خلقت به انشاء تغییر یافته و فرموده: «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» با اینکه ممکن بود بفرماید: «ثم خلقناه...» و این دلالت می‌کند بر این که آنچه به وجود آوردیم چیز دیگری و حقیقت دیگری است غیر از آنچه در مراحل قبلی بود، مثلاً علقه هرچند از نظر اوصاف، خواص، رنگ و طعم با نطفه فرق دارد اما هم جنس هستند یعنی تمام مراحل نطفه تا گوشت و استخوان همگی از یک جنس است که از حالتی به حالت دیگر تبدیل می‌شود هرچند که اوصاف متفاوت است؛ اما وقتی می‌فرماید «أنشأناه» یعنی او را صاحب حیات و قدرت و علم کرد و به او جوهره ذاتی داد که نسخه آن در مراحل قبلی نبود همچنان که در آن مراحل، اوصاف علم و قدرت و حیات نبود، پس در مرحله اخیر چیزی به وجود آمده که کاملاً مسبوق به عدم بود یعنی هیچ سابقه‌ای نداشت (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲۱/ ۲۰-۲۱).

ک) بررسی مرحله تولد طفل

دوازدهمین مرحله آفرینش انسان در بیان قرآن به تولد نوزاد پرداخته و می‌فرماید: «...وَنُقَرِّفُ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ آجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا...» (حج/ ۵).

آیت‌الله مکارم در مورد این مرحله و اهمیت آن، سؤالاتی را مطرح می‌کند سپس به فعل و انفعالات شیمیایی و تغییرات فیزیکی که در جنین و مادر هنگام تولد پیش می‌آید، اشاره می‌کند. وی می‌نویسد: «خداوند بیرون فرستادن جنین را از رحم به خودش نسبت می‌دهد: (اِنَّمَّا نُنْخِرُكُمْ طِفْلًا) این تعبیر اهمیت مسئله تولد را که امروزه دانشمندان به آن پی برده‌اند روشن می‌سازد؛ چه عاملی زمان تولد را تنظیم می‌کند، تحت چه شرایطی فرمان خروج به جنین داده می‌شود، چگونه تمام اعضای بدن خود را برای این تحول آماده می‌کنند، تحت چه عواملی کودک تدریجاً معلق می‌گردد تا با سر متولد شود، آیا می‌داند تولد او با پا غیرممکن یا بسیار مشکل است، چه کسی به تمام عضلات بدن مادر دستور می‌دهد شدیدترین فشار را روی جنین برای خارج شدن بیاورند؟ هنگامی که ندرتاً این سیستم به هم می‌خورد و پزشکان مجبور به سزارین می‌شوند اهمیت آن معلوم می‌شود و شاید وجود چنین افراد نادری هشدار است به همگان تا به اهمیت این موضوع بیندیشند، به این ترتیب مسئله تولد نوزاد با تمام حساسیت‌هایی که دارد نشانه‌ای دیگر از آیات الهی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۷۹/۲).

مکارم با استفاده از علوم آناتومی و پزشکی به بیان عوامل خروج جنین از رحم مادر در لحظه تولد می‌پردازد و می‌نویسد: «یکی از مهم‌ترین شگفتی‌های جنین پایان دوران آن است، این که چه عواملی سبب می‌شود که در لحظه معین فرمان خروج به جنین داده شود و او را از شکل عادی (در حالت عادی سر جنین به طرف بالا است و صورتش به پشت مادر) دگرگون سازد و سر او را به پایین بفرستد تا تولد او آسان سازد نخست کیسه آبی است که جنین در آن شناور است که پاره می‌شود، آب‌ها خارج می‌گردد و جنین به تنهایی آماده ورود به دنیا می‌شود سپس درد شدیدی مادر را فرامی‌گیرد، تمام عضلات شکم، پشت و پهلوهای مادر روی جنین فشار می‌آورند و او را به خارج هدایت می‌کنند، فعل و انفعالات شیمیایی و تغییرات فیزیکی که در بدن به هنگام تولد صورت می‌گیرد به قدری عجیب و شگفت‌انگیز است که همه حکایت از این دارد که علم و قدرت بی‌پایانی این برنامه‌ریزی را برای چنان هدف مهمی انجام داده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۷۹/۲). همچنین دگرگون شدن سیستم گردش خون در لحظه تولد، بسته شدن بند ناف، خشکیدن و افتادن آن، گریه کودک، شیر مادر و خواص آن‌ها از جمله مواردی است که آیت‌الله مکارم به تفصیل مطرح می‌کند.

شیخ طنطاوی در تفسیر آیه شریفه که درباره تولد جنین است، به بحث درباره چگونگی تولیدمثل در مخلوقات پرداخته و تولیدمثل را بر دو نوع تولیدمثل از

طریق نر و ماده (تخمک‌گذاری) و تولیدمثل به غیر آن تقسیم می‌کند. نوع دوم را شامل موجوداتی مانند میکروب‌ها، کرم‌ها و برخی از گیاهانی که گل نمی‌دهند، می‌داند اما نوع اول تولیدمثل که از طریق تخمک نر و ماده است بر دو گونه است. گونه اول (تخم‌گذاران) مثل پرندگان که برای مدتی در تخم می‌ماند سپس خارج می‌شود (بیرون از رحم) و گونه دوم (پستانداران) که تخمک در رحم باقی می‌ماند (تبدیل به جنین می‌شود) و به صورت جنین زنده و متحرک از رحم خارج می‌شود که در پستانداران از جمله انسان که در آیه به آن اشاره شده است، مشاهده می‌شود (طنطاوی، ۱۳۶۲: ۱۱/۱۷-۱۶). این نوع تفسیر نشان می‌دهد که در هنگام بیان مطالب به سیاق توجهی نکرده و حتی به نحوه آفرینش گیاهان و موجودات تخم‌گذار نیز اشاره کرده است در حالی که آیه اشاره‌ای به این مطلب ندارد.

نکته حائز اهمیت این است که در دیگر تفاسیر فریقین، هدف اصلی آیه شریفه را آیه اثبات معاد در مقام پاسخ به لجوجان و معاندانی می‌داند که بحث در قیامت را انکار می‌کنند و می‌گویند: «أَفَعَيَّنَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ» (ق: ۱۵) (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۴/۳۴۶؛ ابن عاشور، بی تا: ۱۷/۱۴۳؛ فخررازی، ۱۴۲۰: ۱۴/۳۴۶) و بدین صورت توجهی به رویکرد علمی آیه ندارند هرچند که به شرح و معنای عبارات و واژگان می‌پردازند.

۵. نتیجه

مقاله حاضر طی مطالعه‌ای تطبیقی، به دوازده مرحله از مراحل آفرینش انسان در آیات قرآن کریم با استفاده از دو تفسیر علمی «نمونه» «الجواهر» پرداخت که با وجود یکسانی رویکرد، در موارد کمی نتایج مشابه و در غالب موارد شاهد نتایج متفاوتی هستیم. از جمله موارد متشابه، می‌توان به آیات ۵۸-۵۹ سوره قیامت اشاره کرد که از نظر هر دو تفسیر واژه «تمنون» به معنای آبی است که توسط مرد در رحم زنان ریخته می‌شود. همچنین معنای «علقه» از نظر هر دو مفسر به معنای قطعه خون بسته است؛ اما همان طور که گفته شد نظرات هر دو مفسر در غالب موارد متفاوت از یکدیگر است. به طور مثال منظور از «ماء دافق» از نظر آیت‌الله مکارم همان آب منی در مرد است؛ ولی از نظر طنطاوی با توجه به «صلب و ترائب» شامل نطفه مرد و زن است. ایشان همچنین درباره «آفرینش حضرت آدم و حوا از خاک»، «نطفه أمشاج»، «مخلقه و غیرمخلقه بودن» جنین و مواردی از این قبیل دیدگاه‌های متفاوتی دارند.

استفاده از نظریات علمی همچون نظریه تکامل داروین که امروزه مخالفان

زیادی دارد از دیگر نکات مهم در تفسیر الجواهر است. همچنین در غالب موارد در تفسیر آیات بدون توجه به سیاق به بیان مطالب اضافی و غیر ضروری به طور مثال درباره تولد و آفرینش سایر موجودات می پردازد که ارتباطی به سیاق ندارد. نگاهی به دیگر تفاسیر نیز نشان می دهد که در برخی موارد (که در مقاله به تفصیل آمده است) هر دو مفسر آیه ای را با رویکرد علمی تفسیر نموده اما دیگر مفسران توجهی به علمی بودن آیه نداشته و هدف آیه را اعتقادی مثل اثبات بعث و قیامت می دانند.

منابع

قرآن کریم.

اسکندری، احمد بن عطاء الله (۱۴۲۴): «اللطائف الالهيه في شرح مختارات من الحكم العطائية»، بيروت: دارالکتب العلميه.

پاک نژاد، سید رضا (۱۳۵۰): «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر»، تهران: کتاب فروشی اسلامیه، چاپ اول. حسین طهرانی، محمد حسین (۱۴۲۷): «نور ملکوت قرآن»، مشهد مقدس: علامه طباطبائی، چاپ سوم. خرمشاهی، بهاء الدین (بی تا): «بررسی دیدگاه منبع‌نگاری قرآن نسبت به علوم در الجواهر فی تفسیر القرآن»، بلاغ، ش ۵۴ و ۵۳، صص ۶۱-۳۱.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲): «مفردات الفاظ القرآن»، بیروت: دارالشامیه.

رستمی، حیدر علی (۱۳۹۷): «کلیاتی در تفسیر علمی قرآن»، بی جا: بی نا.

رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۱): «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن»، رشت: کتاب مبین.

رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۹۳): «منطق تفسیر قرآن (۲): روش‌ها و گرایش‌های تفسیری»، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر مصطفی (ص)، چاپ نهم.

رضایی، حسن رضا (۱۳۸۷): «شگفتی‌های پزشکی در قرآن»، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن، چاپ اول.

رفیعی محمدی، ناصر (۱۴۰۰): «سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن»، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر مصطفی (ص).

طالقانی، محمود (۱۳۶۲): «پرتوی از قرآن»، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.

طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۰): «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷): «جوامع الجامع»، تهران: دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.

طنطاوی جوهری، محمد سید (۱۳۵۰): «الجواهر فی تفسیر القرآن»، مصر: مطبعة مصطفی البابی الحلبی، چاپ دوم.

علی بابایی، احمد (۱۳۸۲): «برگزیده تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم.

قرشی بنایی، علی اکبر (۱۳۷۱): «قاموس قرآن»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.

قیصری، داود (۱۳۷۵): «شرح فصوص الحکم»، محقق: سید جلال الدین آشتیانی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

مصطفوی، حسن (۱۳۷۱): «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد.

معرفت، محمد هادی (۱۳۷۹): «تفسیر و مفسران»، قم: موسسه فرهنگی انتشاراتی التمهید.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶): «پیام قرآن»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ نهم.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱): «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم.

نریمان، کیانوش، مصطفی مناقب و رحمت‌الله عبدالله زاده آران (۱۴۰۰): «تحلیل انتقادی دیدگاه طنطاوی در الجواهر فی تفسیر قرآن»، پژوهش دینی، ش ۴۳، صص ۲۷۴-۲۵۱.

نقیسی، شادی (۱۳۷۹): «عقلگرایی در تفاسیر قرن چهاردهم»، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

نوذری، مجتبی، حسام الدین حسینی و فرج‌الله براتی (بی تا): «بازتاب گرایش اجتماعی تفسیر نمونه در جامعه اسلامی و استنباط سبک زندگی از قرآن»، سبک زندگی با محوریت سلامت، شماره ۲، صص ۶۵-۶۴۷.

References

The Holy Quran

- Iskandari, Ahmad ibn Ataullah (1424): "The Divine Subtleties in the Explanation of Selected Wisdoms from the Ata'i Teachings," Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah.
- Paknezhad, Seyyed Reza (1350): "The First University and the Last Prophet," Tehran: Islamic Bookstore, First Edition.
- Hosseini Tehrani, Muhammad Hossein (1427): "The Light of the Kingdom of the Quran," Mashhad al-Muqaddas: Allameh Tabatabai, Third Edition.
- Khorramshahi, Bahaodin (n.d.): "Examining the Perspective of Quranic Source-Orientation towards Sciences in Al-Jawahir fi Tafsir al-Quran," Balagh, No. 53 and 54, pp. 31-61.
- Raghib Isfahani, Hossein Ibn Muhammad (1412): "Mufradat Alfaz al-Quran," Beirut: Dar al-Shamiyyah.
- Roštami, Haidar Ali (1397): "Generalities in the Scientific Tafsir of the Quran," [Location Not Specified]: [Publisher Not Specified].
- Rezai Isfahani, Muhammad Ali (1381): "A Study on the Scientific Miracles of the Quran," Rasht: Ketab Mobin.
- Rezai Isfahani, Muhammad Ali (1393): "The Logic of Tafsir of the Quran (2): Methods and Interpretive Trends," Qom: International Center for Translation and Publication of Mustafa (PBUH), Ninth Edition.
- Rezai, Hassan Reza (1387): "Medical Wonders in the Quran," Qom: Quranic Research and Sciences, First Edition.
- Rafiei Seyyedi, Nasser (1400): "The Process of Compilation and Development of Scientific Tafsir of the Quran," Qom: International Center for Translation and Publication of Mustafa (PBUH).
- Talaghani, Mahmoud (1362): "A Ray from the Quran," Tehran: Public Publishing Company, Fourth Edition.
- Tabatabai, Muhammad Hossein (1390): "Al-Mizan in Tafsir of the Quran," Beirut: Al-Alami Foundation for Publications.
- Tabarsi, Fadl Ibn Hassan (1377): "Jawami' al-Jami," Tehran: University of Tehran and Management of Qom Seminary.
- Tantawi Jawhari, Muhammad Seyyed (1350): "Al-Jawahir in Tafsir of the Quran," Egypt: Mustafa al-Babi al-Halabi Press, Second Edition.
- Ali Babaei, Ahmad (1382): "Selected Tafsir of Sample," Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Thirteenth Edition.
- Qurashi Banayi, Ali Akbar (1371): "Dictionary of the Quran," Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Sixth Edition.
- Qaysari, Dawood (1375): "Commentary on Fusus al-Hikam," Edited by Seyyed Jalal al-Din Ashtiani, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.
- Mostafavi, Hassan (1371): "Research on the Words of the Holy Quran," Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Ma'refat, Muhammad Hadi (1379): "Tafsir and Interpreters," Qom: Cultural and Publishing Institute al-Tamhid.
- Makarem Shirazi, Nasser (1386): "The Message of the Quran," Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Ninth Edition.
- Makarem Shirazi, Nasser and Colleagues (1371): "Tafsir Sample," Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyyah, Tenth Edition.
- Nariman, Kianoush, Mostafa Manaqib, and Rahmatullah Abdollahzadeh Arani (1400): "Critical Analysis of Tantawi's Perspective in Al-Jawahir with Emphasis on the Scientific Verses of the Quran," Religious Research, No. 43, pp. 251-274.
- Nafisi, Shadi (1379): "Rationalism in the Tafsirs of the Fourteenth Century," Qom:

Office of Islamic Propagation of Qom Seminary.
Nozari, Mojtaba, Hesam al-Din Hosseini, and Farajullah Barati (n.d.): "The Reflection of Social Trends of Tafsir Sample in the Islamic Community and the Deduction of a Lifestyle from the Quran," Lifestyle with a Focus on Health, No. 2, pp. 647-655.

مطالعه تطبیقی «مراحل آفرینش انسان» در تفاسیر علمی (مطالعه موردی: تفاسیر نمونه الجواهر)

سال نهم

شماره دوم

پیاپی: ۱۸

پاییز و زمستان

۱۴۰۳